

عبدالرحمن فتح‌الهی؛ مسعود پزشکیان یکشنبه هفته آتی، اول مهر ۱۴۰۳ برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک سفر می‌کند و سه‌شنبه سوم مهر در این مجمع سخنرانی خواهد کرد. به‌نوشته ایسنا، این سفر هرساله در اواخر شهریور یا اوایل مهرماه صورت می‌گیرد و رؤسای جمهور کشورهای در ادوار مختلف با حضور در مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک به بیان نظرات و مسائل مورد نظر پرداخته‌اند. سخنرانی در اجلاس جانبی مجمع عمومی به نام «سران برای آینده»، دیدار با ایرانیان مقیم آمریکا، گفت‌وگو با رهبران ادیان الهی، نشست با مدیران رسانه‌ها، اندیشکده‌ها و دیگر دیدارهای دوجانبه بابرخی سران کشورهای اروپایی، آسیایی و جهان اسلام از جمله برنامه‌های احتمالی رئیس‌جمهور ایران در سفر به نیویورک است. با توجه به آنکه دولت چهاردهم تازه روی کار آمده است، بسیاری حضور پزشکیان در مقر سازمان ملل و سخنرانی او را مهم ارزیابی می‌کنند. به‌خصوص آنکه احتمال کلیدخوردن مذاکرات ایران و غرب در این سفر پررنگ به نظر می‌رسد. ازاین رو برای بررسی اهمیت و واکاوی ابعاد کلیدی این سفر به‌گفت‌وگویی بارحمن قهرمانپور، تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل نشسته‌ایم که مشروح آن را از نظرمی‌گذرانید.

-
-
-

اگرچه اولین سفر مسعود پزشکیان در قالب دیپلماسی منطقه‌ای و به مقصد عراق بود، اما بسیاری از ناظران معتقدند مهم‌ترین سفر سیاست خارجی دولت چهاردهم در ماه‌های پیش‌رو به حضور مسعود پزشکیان در نیویورک بازمی‌گردد. آیا شما هم قائل به چنین اهمیتی برای سفر مذکور هستید و اگر چنین است، ابعاد و دلایل اهمیت حضور رئیس‌جمهور ایران در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل در نیویورک چیست؟

در پاسخ به بخش اول سؤالان من هم معتقدم که سفر آقای پزشکیان به نیویورک از ابعاد مختلفی دارای اهمیت است. اما درباره چرایی اهمیت این سفر باید به دو نکته اشاره کرد؛ نخست اینکه چون رهبران و سران کشورهای جهان برای شرکت در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل در نیویورک جمع می‌شوند، فرصت بسیار خوب و مغتنمی است تا برنامه‌های دیپلماتیک و دیدارهای متعدد در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام شود. به هر حال می‌دانیم که هماهنگ‌کردن سفر مقامات کشورها برای پیگیری روابط دو یا چند جانبه بسیار زمان‌بر است و به هزینه زیادی هم نیاز دارد. اما چون اکثر رهبران کشورهای دنیا در مجمع عمومی سازمان ملل گرد هم می‌آیند فرصت بسیار خوبی است که با کمترین هزینه و در کمترین زمان، دیدارهای متعدد در راستای برنامه‌های مدنظر کشورها صورت بگیرد. دلیل دوم اهمیت سفر پزشکیان به نیویورک آن است که به هر حال آقای پزشکیان تازه به قدرت رسیده‌اند و همه کشورها و بازیگران جهانی از کشورهایی چون چین تا اروپایی‌ها و آمریکا منتظر آن هستند که در این دیدارهای حاشیه‌ای در نیویورک با او ملاقات کنند و با تیم سیاست خارجی او آشنا شوند تا ارزیابی‌های بدون واسطه و مستقیم خود را داشته باشند.

ا اهمیت این ارزیابی‌های اولیه چیست؟

این ارزیابی‌های اولیه و درک مستقیم و بدون واسطه کشورها اهمیت بسیار زیادی در ترسیم روابط دوجانبه دارد. چون بر اساس همین ارزیابی‌های اولیه است که کشورها تصمیمات خود را برای نحوه برقراری روابط بعدی و مذاکرات پیش‌رو با ایران اتخاذ می‌کنند؛ بله گاهی درست است که کشورها ارزیابی و درک اولیه خود را علنی نمی‌کنند و آن را محرمانه نگه می‌دارند، اما نمی‌توان منکر اهمیت و تأثیرگذاری این دیدار اولیه و ارزیابی‌های مستقیم بدون واسطه کشورها در تنظیم روابط بعدی شد.

همین‌جا توقف کنیم که این سؤال را برسم، متراین ارزیابی چیست؟ آیا منظورتان محتوا و درون‌مایه سخنرانی مسعود پزشکیان در مجمع عمومی خواهد بود که مشخص شود برای مثال، آماده مذاکره با غرب هست یا نه؟

بله هم متن و محتوای سخنرانی سالانه می‌تواند اثرگذار باشد که البته سخنرانی مقامات در مجمع عمومی شکل صوری و رسمی دارد و هم مجموعه دیدارهای جانبی در مقر سازمان ملل در این باره مؤثر است. به نظر من مهم‌ترین پارامتر همین دیدارهای رودررو و دوجانبه مسعود پزشکیان باکشورهاست.

چرا؟

چون ارزیابی‌ها در دیدارهای دوجانبه و حضوری، دقت و صحت بیشتری دارد.

به موضوع مهم‌تر یعنی چرایی اهمیت سفر پزشکیان به نیویورک بپردازیم. آن‌گونه که مطرح

نگاهی به اهمیت سفر پزشکیان به نیویورک در گفت‌وگو با رحمن قهرمانپور

گام نخست تفاهم

رو به جلو باشد، چون این دو موضع‌گیری خبر از دو تغییر مهم در سیاست خارجی ایران می‌دهد. بنابراین به رغم وجود این شرایط سخت در دیپلماسی، امکان پیگیری مذاکرات و به نتیجه رسیدن آن وجود دارد. اما باید ببینیم ارزیابی طرف مقابل چیست.

ذیل آنچه گفتید، محتمل‌ترین سناریو چیست؟

به نظر من محتمل‌ترین سناریو این است که دو طرف به یک تفاهم اولیه درباره زمان‌بندی کلی برای مذاکرات چند ماه آینده برسند، درعین‌حال و در یک سناریوی احتمالی دیگر امکان دارد مذاکرات پشت پرده دولت چهاردهم با طرف‌های غربی آغاز شود. چون مذاکرات محرمانه و پشت پرده و چراغ‌خاموش در‌دستر کمتری دارد و رسانه‌ها کمتر آن را پوشش می‌دهند و این مذاکرات محرمانه مانند سال ۹۰ (شمسی) می‌تواند مقدمه‌ای برای مذاکرات جدی‌تر، علنی و رسمی چند ماه بعد و پس از مشخص‌شدن نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا باشد. آن زمان

رسیدن به توافق راحت‌تر است؛ یعنی اگر در مذاکرات محرمانه، بحث‌های اولیه انجام شده باشد، دیگر در مذاکرات علنی و رسمی رسیدن به توافق با موانع کمتری همراه خواهد بود.

شما اشاره کردید که شرایط دیپلماتیک به دلیل وقوع دو جنگ اوکراین و غزه «سخت» است، اما باید اذعان کرد که شرایط سخت نیست، بلکه «بحرانی» و حتی «فوق بحرانی» است. اما نکته مهم‌تر این است که فعلا مذاکرات ایران و آمریکا محل بحث نیست، چون مشخصاتاً ژانویه ۲۰۲۵ و روی کار آمدن دولت جدید آمریکا، چه با پیروزی ترامپ یا پیروزی هریس، زمینه هیچ‌گونه گفت‌وگویی بین تهران و واشنگتن وجود ندارد و بعد از آن هم بسیار بعید است که حداقل دولت جدید آمریکا تا شش ماه نخست در دولت جدید، اولویتی برای مذاکره با ایران و دولت پزشکیان داشته باشد، پس آن‌گونه که مسجل است، فعلا اولویت برای سیاست خارجی تهران، ترمیم مناسبات تخریب‌شده با اروپا خواهد بود. اما واقعا عراقچی پتانسیل بازکردن دوباره پنجره‌های بسته روابط ایران و اروپا را خواهد داشت؟

نکات شما درست است. اما این را هم در نظر بگیریم که اروپا هم وضعیت چندان مناسبی ندارد. به هر حال با حمله روسیه به اوکراین وضعیت ژئوپلیتیکی اروپا هم چندان مناسب نیست و اتفاقا به دلیل همین شرایط جدید است که اروپایی‌ها درصدد بازبینی و بازتعریف و به نوعی تنظیم روابط خود با کشورها هستند. در چنین شرایطی اکنون اروپایی‌ها تصور می‌کنند ایران، ذیل جنگ اوکراین بیش از آنکه به اروپا و آمریکا نزدیک باشد، در جبهه چین و به‌ویژه روسیه قرار دارد. خب به هر حال این مسئله بسیار مهمی در تنظیم روابط اروپا با تهران خواهد بود. اینجاست که سفر پزشکیان به نیویورک اهمیت پیدا می‌کند، چون باید ببینیم که اروپایی‌ها در دیدار مستقیم و رودررو با پزشکیان و عراقچی چه ارزیابی‌ای خواهند داشت و حتی با وجود درست‌بودن نگاه خود، آیا آمادگی ازسریگیری گفت‌وگو و مذاکره با دولت جدید در ایران را دارند؟ البته هم هم مانند شما اعتقاد دارم که شرایط بحرانی است. ولی هم آمریکا درگیر و گرفتار انتخابات و جنگ غزه است و هم اروپایی‌ها درگیر جنگ اوکراین هستند.

تا به اینجای کار که فعلا شاهد کلی‌گویی و نوعی ابهام‌گویی از طرف دولت پزشکیان و شخص عباس عراقچی درباره نگاه دولت جدید به جنگ اوکراین و چگونگی ازسرسریزی مذاکرات با اروپا بوده‌ایم. تروئیکای اروپایی و اتحادیه اروپا، مشخصا روی ادعای خود مبنی بر ارسال موشک و

بهباد ایران به روسیه تمرکز دارند و هم‌زمان در تهران هم، عراقچی ضمن رد این ادعا به دنبال گفت‌وگوست. اینجا خودش تناقض است؛ چون به نظر می‌رسد اروپایی‌ها تا زمانی که به تضمینی برای موضوع موشک و بهبود نرسند، به دنبال گفت‌وگو با تهران نخواهند بود. درصورتی‌که تهران و فردی مانند عراقچی تصور می‌کند که باید با اروپا وارد مذاکره شد تا موضوع موشک و بهبود با روابط نظامی ایران و روسیه مورد بحث قرار گیرد. این پارادوکس در قرانت دو طرف نگاه، نشان می‌دهد که خودعراقچی هم هیچ‌گونه برنامه مشخصی برای تنش‌زدایی با اروپا ندارد یا حداقل، برنامه خود را در این باب علنی نکرده است. بنابراین از شما می‌پرسم واقعا چه‌گام عملی‌ای باید در تنش‌زدایی با اروپا و حل این پارادوکس برداشت؟

نکاتی که مطرح کردید درست است، ولی در عالم سیاست قطعا گزینه‌ها محدود نیستند و دو طرف می‌توانند متناسب با گزینه‌های خود به توافق دست پیداکنند. دراین‌بین مسئله مهم‌تری وجود دارد.

چه مسئله‌ای؟

اراده سیاسی؛ چون در عالم دیپلماسی، آن چیزی که تعیین‌کننده خواهد بود، همین اراده سیاسی است. اگر این اراده وجود داشته باشد، طبیعتا راه‌حل پیدا می‌شود. چون همان‌طورکه قبلا گفتم، راه‌حل‌ها محدود نیستند. پس باید موضوع را طور دیگری تحلیل کنیم. متأسفانه اکنون آن اراده وجود ندارد. اگر آن اراده وجود داشته باشد، رسیدن به توافق و راه‌حل دیگر کار سختی نخواهد بود.

اما حتی اگر اراده‌ای هم وجود داشته باشد، تهران می‌تواند بر مسکوفائق آید؟

اول باید ببینیم که اراده وجود دارد یا نه؟! نکته مهم‌تر اینجاست که باید ببینیم در طرف مقابل هم اراده‌ای برای حل مسئله وجود دارد یا نه؟ باید اراده در دو طرف وجود داشته باشد، نه اینکه انتظار داشته باشیم فقط تهران اراده‌ای برای حل مسئله داشته باشد.

پس از منظر شما، ادعای ارسال موشک و بهبود فرغ بر اراده است؟

دقیقا. مگر ترکیه در همین جنگ اوکراین، بهبود و موشک نمی‌دهد و آن را هم علنی نکرده است و دیگر کشورها هم چنین اقدامی انجام نمی‌دهند! پس باید ببینیم که اراده برای حل موضوع بین دو طرف ایران و اروپا وجود دارد یا نه. اگر آن اراده، عزم، جدیت و اعتماد وجود داشته باشد، بقیه موضوعات دیگر فنی و تکنیکی خواهند بود. ما اکنون با فقدان اعتماد بین ایران و اروپا مواجهیم و یک تنش بی‌سابقه در روابط دو طرف وجود دارد. حل‌کردن آن بسیار سخت و زمان‌بر است. اما وقتی اراده به وجود آمد و اعتماد شکل گرفت، آن زمان دیگر بحث‌کردن روی موضوع موشک و بهبود به مسائل تکنیکی و فنی محدود می‌شود.

با این حساب، در گفته‌های شما تناقض وجود دارد. اگر ذیل آنچه عنوان کردید، اراده و اعتمادی در دو طرف وجود ندارد، عباس عراقچی بر چه مبنایی به دنبال مذاکره با اروپاست؟

سیاست‌مدار و دیپلمات که نمی‌تواند همان اول دست‌های خود را بالا ببرد و تسلیم شود. به هر حال با این مواضع، پالیسی مثبت ارسال می‌شود تا زمینه برای شکل‌گیری اراده و اعتماد بین دو طرف فراهم آید. اراده و اعتماد که به وجود آمد، رسیدن به راه‌حل دیگر چندان سخت نیست.

برای سؤال آخر مجددا به سفر پزشکیان به نیویورک بازمی‌گردم. اگرچه موضوع دیدار عراقچی و پزشکیان با جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، مطرح است. اما برخی کارشناسان معتقدند دیدارهای مهم‌تر، ناظر به دیدارهای پزشکیان با کی‌ری استارمر، نخست‌وزیر انگلستان، اولاف شولتس، صدراعظم آلمان و مهم‌تر از آن، دیدار با امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، باز است، چون که پاریس نقش پیشران و موتور محرک دیپلماسی و سیاست خارجی اتحادیه اروپا را بر عهده دارد. در صورت این نگاه، حضرت‌عالی چه تصویری از این دیدارها دارید؟

قطعا این دیدارها بسیار مهم هستند، چون اگر دیداری بین پزشکیان با نخست‌وزیر انگلستان، صدراعظم آلمان یا رئیس‌جمهور فرانسه شکل بگیرد، معنای کاملا متفاوتی از دیدار با بورل دارد. حالا باید ببینیم که آیا این سه کشور اروپایی با مقامات ایرانی گفت‌وگو و دیداری دارند و اگر این دیدار انجام بشود، در چه سطحی است؟ آیا در سطح سران خواهد بود یا در سطح میانی و پایینی، چون هرکدام یک معنایی می‌دهد. اگر دیدار در سطح سران انجام بشود، نشان می‌دهد که دو طرف آمادگی لازم برای حل مشکلات فی‌مابین را دارند. در غیراین‌صورت هنوز آمادگی لازم، حداقل در ظر اروپایی به وجود نیامده است.

ریموند ویل

RAYMOND WEIL
GENEVE



SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran